



باسمه تعالی

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية
International Islamic Cultural Association
انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

نگاه

شماره: ۷

تاریخ: ۲۰۱۱/۴/۱۵

خاص برای دانشجویان

(مسئولیت امت)

بدهی و مسلم است که بعثت فرخنده پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) در زمانی صورت پذیرفت که جوامع بشری در ظلمت ضلالت قرار داشت، ولی در عین حال ایمان و پرستش خداوند جل جلاله و اعمال حسنه بطور کامل ناپدید نگردیده، بلکه آثار هدایت بشکل انفرادی در اشخاص و افراد موجود بود. قرآن عظیم الشان می فرماید: **(ليسوا سواء من اهل الكتاب امة قاتمة يتلوون آيات الله اناء الليل وهم يسجدون ۰ يومنون بالله و اليوم الآخر و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يسارعون في الخيرات و اولئك من الصالحين)** همه برابر نیستند از اهل کتاب گروهی است ایستاده براه راست، می خوانند آیه های خدا را اوقات شب و ایشان سجده می کنند، ایمان دارند بخدا و روز قیامت و امر می کنند بکار پسندیده و نهی می کنند از ناپسندیده و می شتابند در نیکی ها و آن گروه از شایسته گانند (آل عمران - ۱۱۳- ۱۱۴)

پس بعضی افراد براه راست پویان بودند، ولی این هدایت انفرادی بر ضلالت اجتماعی تأثیر تغییر و اصلاح را نداشت، در چنین یک محیط مکرر و تاریک، خداوند تبارک و تعالی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) را مبعوث فرمود، و با بعثت پیام آور بزرگش، امت را نیز مسؤل و وظیفه اصلاح و دعوت گردانید، که به این ترتیب در کنار افاده نبوت، استفاده امت قرار گرفت.

قرآن می فرماید: **(و كذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا)**. (و همچنین که شما را هدایت دادیم گردانیدیم شما را امتی معتدل (مختار) تا باشید گواهان بر مردم (در قیامت) و باشد پیغمبر بر شما گواه). (البقره - ۱۴۳).

و همچنان می فرماید: **(كنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله)**. (هستید شما بهترین تمام امم که برون آورده شده برای مردم امر میکنید بکار پسندیده و نهی میکنید از کار ناپسند). (آل عمران - ۱۱۰)

(اخراجت) صیغه مجهول است که نسبت آن به سوی الله جل جلاله می باشد، (خروج) و (اخراج) از هم متفاوت اند، (خروج) فعل شخصی و انفرادی بوده، در حالیکه (اخراج) فعل ذات دیگری است (اخراجت للناس) چنان می رساند که امت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) از سوی الله (جل جلاله) برای ادای مسئولیت و وظیفه گماشته شده اند و چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آخرین انبیاء است و پس از بعثت آنحضرت بر سلسله پیامبران مهر اختتام نهاده شد **(ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله و خاتم النبیین)** (محمد پدر (نسبی) هیچ یک از مردان شما (نه زید و نه دیگری) نبوده (تا ازواج با زینب برای او حرام باشد) و بلکه فرستاده خدا و

آخرین پیغمبران است (و رابطه او با شما رابطه نبوت و رهبری است). (الأحزاب - ۴۰)

لذا وظیفه اصلاح مسلمین و دعوت غیر مسلمانان تا قیامت بعهده امت سپرده شد و با اداء کردن این مسئولیت بزرگ از کافه اقوام و تمام امم گوی سبقت می ربایند، پس مجد و شرف و عزت و خیریت و فضیلت (بکنتم خیر امة) توأم با مسئولیت (تامروؤ بالمعروف و تنهؤ عن المنکر و تؤمنؤ بالله) می باشد و بدون ادای وظیفه، عزت و شرف و برتری میسر نمی گردد. مثلاً در یک مکتب و یا مدرسه اهمیت و عزت مدیر بیشتر از خادم است زیرا مسئولیت مدیر بیشتر و بزرگتر است. اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) این حقیقت را درک نموده بودند و جهت انجام وظیفه و مسئولیت اصلاح و دعوت به اطراف و اکناف جهان منتشر شدند، پس اصلاح و دعوت از وظایف و رسالت های اساسی امت محمدی می باشد که از یک طرف باید خود را و جامعه اسلامی را اصلاح نمود و از سوی دیگر و در عین زمان غیر مسلمانان را به دین حق دعوت نماییم. بنابراین باید از حیث اخلاق و تقوا الگو برای دیگران باشیم، زیرا امروز و در هر عصر به جامعه ای نیاز است که برای بشریت دلیل و راهنمای عملی بسوی ایمان و فضایل اخلاق باشد، بطوریکه ارشادات قرآن و حدیث تطبیق شود، زیرا قصور و کوتاهی که متأسفانه جوامع اسلامی دارند، عمل نکردن به احکام و هدایات الهی به شکل اجتماعی است: مثلاً در جامعه امت این یقین عام می باشد که اعتبار صحت و ثواب اعمال به نیت است، زیرا پیشوای امت فرمود: (إنما الأعمال بالنیات و إنما لکل امری ما نوى فمن کانت هجرته إلى الله و رسوله فهجرته إلى الله و رسوله و من کانت هجرته لدنیا یصیبها أو امرأة ینکحها فهجرته إلى ما هاجر إليه). [اعتبار اعمال به نیت هاست، و هر کس از کردارش به حسب نیتش اجر و ثواب حاصل می نماید، پس هر کسیکه هجرت و انتقال او بسوی خدا و پیغمبر اوست، اجر و ثواب آنرا خداوند برایش میدهد، و هر کس که هجرتش به خاطر مال و دنیا بوده باشد و یا بخاطر زنی که بخواد با او نکاح نماید، اهمیت هجرت او برابر همین همت اوست.] متفق علیه

بنابر حدیث فوق تمام روابط فردی و اجتماعی بر اساس مقاصد نیک و رضای خداوند عزوجل استوار می باشد. و همه امت دین اسلام را دارای پنج رکن اساسی میدانند که اسلام بر آن پنج رکن پایه گذاری شده است. (عن أبی عبدالرحمن عبدالله بن عمر بن الخطاب، رضی الله عنهما قال سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) یقول: بُنی الإسلام علی خمس شهادة أن لا إله الا الله و أن محمداً رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و إقام الصلاة و ایتاء الزکاة و حج البیت و صوم رمضان.) {روایت است از ابو عبدالرحمن (ابو عبدالرحمن کنیه عبدالله فرزند امیر المومنین عمر بن الخطاب است) که گفت: شنیدم که پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمود: اسلام بر پنج اصل پایه گذاری شده است، گواهی دادن آنکه نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا و گواهی دادن آنکه حضرت محمد پیغمبر خداست، و بر پا داشتن نماز، و دادن زکات و قصد خانه خدا برای اداء حج و روزه داری در ماه رمضان.} رواه البخاری و مسلم و همه افراد جامعه باور دارند که دین نصیحت است. (عن ابی رقیه تمیم بن اوس الداری رضی الله عنه، أن النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) قال: الدین النصیحة. قلنا لمن؟ قال: لله و لکتابه و لرسوله و لأئمة المسلمین و عامتهم.) {روایت است از ابی رقیه، تمیم بن اوس داری رضی الله عنه که پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: دین همه اش نصیحت است. گفتیم برای چه کسانی؟ فرمود: برای خدا و برای

قرآن و برای پیغمبر و پیشوایان مسلمانان و برای عامه مسلمانان. { رواه مسلم

(نصیحت) و (نصح) هر دو مصدرند و به معنی اخلاص و تصفیه می آیند و چون گفته شود (نصحت له القول) یعنی گفتار را به اخلاص به وی گفتم و اگر گفته شود (نصحت العسل) یعنی عسل را از شمع آن تصفیه و پاک کردم. و چنین می رساند که نصیحت کننده در کوشش برای صلاح نصیحت شده نهایت اخلاص و پاکی را اختیاری نماید. پس چنانچه ذکر شد جوامع اسلامی باید تمام مظاهر عالیه ، انسانی را در پرتو اسلام متجلی سازند ، مثلا همواره نفقه حلال کسب نموده از حرام اجتناب ورزند.

(عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) إن الله تعالى طيبٌ لا يقبل الا طيباً و إن الله امر المؤمنين بما امر به المرسلين فقال) (يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحاً) و قال (يا ايها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم)

ثم ذكر الرجل يطيل السفر اشعث اغبر يمدُّ يديه إلى السماء يارب، يارب، و مطعمه حرام و مشربه حرام و ملبسه حرام و غُدَى بالحرام فأنى يُستجاب له. (روایت است از ابو هريره رضي الله عنه که گفت: فرمود پیغمبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) که خدای تعالی پاک است و نمی پذیرد مگر پاکیزه را و به حقیقت خدا امر فرموده مومنان را به آنچه فرمان داده به آن پیغمبران را، زیرا فرمود خدای تعالی ای پیغمبران بخورید از پاکیزه و بکنید کارهای شایسته را و فرمود خدای تعالی: ای مردمیکه ایمان آورده اید بخورید از پاکیزه های ، آنچه روزی شما نمودیم، پس از آن پیغمبر یاد فرمود مردی را که طول میدهد به مسافرت و به حالت پراکندگی موی، و گرد آلود روئی، بالا می کند دستش را به سوی آسمان و می گوید: ای پروردگار من! در حالیکه خوراکش حرام و آبش حرام است و پوشاکش حرام است و تغذیه شده به حرام، با این حال چگونه به اجابت رسانیده می شود برای او دعایش. { رواه مسلم

این حدیث یکی از قواعد اسلام است و مورد اعتماد در تناول حلال و ابتعاد از حرام می باشد. پس مسلمان مال حرام را نپذیرفته و آنرا دوباره به صاحبش مسترد می نماید، و هر چه را به خود دوست میدارد برای برادر مومن نیز خواهان است. (عن أبي حمزة أنس بن مالك (رضی الله عنه) خادم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه.) { از ابو حمزه: أنس بن مالك (رضی الله عنه) ، خادم پیغمبر خدا روایت است: که حضرت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: ایمان یکی از شما کامل نمی شود، مگر اینکه آنچه را که بخود دوست میدارد به برادر مسلمان خود دوست داشته باشد. { رواه البخاری و مسلم

این حدیث یک پایه بزرگ و ستون مهم تدین و دینداری است، زیرا هدف و مقصود از دین جمع کردن بر راه اسلام و ترغیب به تعاون و همدستی و همدوستی است و چون اعضای جامعه اسلامی برای یکدیگر دوست بدارند، آنچه را برای خود دوست میدارند و از آزرده مردم و آنچه را برای خود دوست ندارند، خود داری نمایند در این حال مهر و محبت بین جوامع بشری منتشر می شود و همدیگر را دوست میدارند و همه برای رسانیدن خیر و خوبی بیکدیگر سعی می ورزند و نیکی و احسان فراوان می شود و بدی و زشتی از میان می رود و امور معاش و معاد بهبودی می یابد و سعادت همگانی فراهم می آید این منتهای مقاصد دین مبین اسلام است. خلاصه اینکه اگر امت اسلامی دین را بطور فردی و اجتماعی عمل کنند، جامعه ای الگو و نمونه عرض وجود می نماید که در آن،

نقص و عیب از قبیل ، سرقت، فریب، فسق، رشوت، ظلم، کذب ، فقر ، عداوت، بخل، حسد ، غیبت، بهتان ... و غیره نمی باشد و بالمقابل صفات و فضایل انسانی و اسلامی مانند: صداقت ، همدستی و همدوستی، عفو و بخشش، ایثار و قربانی ، زهد و تقوا، اخوت و محبت ، اخلاص و ثبات و همه جوانب اخلاقی در آن متجلی می گردد.

این چنین یک جامعه برای دیگران سر مشق خواهد بود و این امت معتدل و متوازن و آگاه و خیرخواه، وظیفه دعوت کردن دیگران به عهده دارند و این مسئولیت و رسالت تا قیام قیامت در هر عصر و نسل جریان دارد زیرا امت نخبه و برگزیده و شاهد بر سایر امم و ملل است.

(و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) (و همچنین (که شما را هدایت دادیم)

گردانیدیم شما را امتی معتدل (مختار) تا باشید گواهان بر مردم (در قیامت) و باشید پیغمبر بر شما گواه) (البقره - 143)

در عصر حاضر کشورهای اسلامی سرمایه های هنگفت مادی دارند که در گذشته مالک آن نبودند، ولی متأسفانه سعی و تلاش زیاد در امور مالی و اقتصادی باعث ضعیف شدن پهلوی معنوی گردید، و باید دانست که نیروی معنویت همواره بر مادیت غلبه حاصل می نماید، مثلاً بنابر شهادت تاریخ، قدرت سیاسی و نظامی تاتارها زبان زد عام بود، و عرب ها می گفتند: (إذا قيل لك ان التتر انهموا فلا تصدق) یعنی (اگر برایت گفته شود که تاتارها شکست خوردند، باور مکن) ، اما با آن همه سلطه نظامی که عالم اسلام را تحت سیطره قرار داده بودند، بالاخره توسط فرهنگ ایمان و تقوا و اخلاق اسلامی نتنها فتح گردیدند، بلکه خادمان دین شدند، و اینگونه امثله زیادی است که حکومتها با همه قدرت نظامی و سیاسی در برابر قدرت معنویت شکست خورده اند و نظام های ظالم و مستبد بر رعیت متدین و مصلح بنابر تناقض و تضاد اخلاق و سلوک، دوام ندارند.

و قابل تذکر است که مسئولین حکومت مانند ستون فقرات نقش مهمی در بدن و جسم چنین یک جامعه نمونه دارند.

خداوند (جل و علا) می فرماید: (الَّذِينَ إِذْ مَكَنَّهم فِي الْأَرْضِ اقَامُوا السَّلْوَةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ). (آنانی که اگر قدرت دهیم ایشان را در زمین بر پا دارند نماز را و بدهند زکات را و حکم کنند بکار نیک و منع کنند از کار بد، و در اختیار الله است انجام امور .) (الحج - 41)

یعنی اگر الله (جل جلاله) ایشان را در زمین سلطنت دهد از خدا غافل نمی شوند، بلکه هم خودشان در نیکی ها و عبادات بدنی و مالی مصروف می شوند و هم کوشش می نمایند که دیگران را نیز به این راه بیارند.

پس باید چنان الگو و نمونه باشند که تأثیر اخلاقی و سیاسی آنها باعث اصلاح حکام و رعایای کشورهای غیر اسلامی، شود، زیرا ایمان به الله (جل جلاله) و آخرت و خدمت خلق و ایثار و قربانی و زهد و اخلاص و جهاد با نفس، شاخصه های عظیم دولت اسلامی است، و رئیس حکومت و همه دولتمردان مأمورین خداوند در روی زمین اند که باید در حفظ این امانت الهی سعی بلیغ ورزند. حضرت ابوبکر (رضی الله عنه) قبل از آنکه خلافت را بعهده بگیرد پیشه تجارت داشت، وضع زندگی اش از نظر مالی خوب بود ولی پس از آنکه خلیفه شد بنابر تقوا و پرهیزگاری که داشت از آوردن حلوا و شیرینی به خانه اجتناب می ورزید.

یکی از دانشمندان غرب بنام (مویر) در کتابش بنام (خلافت) در مورد حضرت عمر (رضی الله عنه) چنین می نگارد: (بساطت و سادگی و ادای واجبات از مهمترین مبادی حکومت عمر (رضی الله عنه) بود و حق و وظیفه و مسئولیت را بطور شایسته اداء می نمود... و بر یتیمان و بیوه ها شفقت داشت). دایرة المعارف بریتانیا درباره وی (رضی الله عنه) چنین می نویسد: (عمر (رضی الله عنه) حاکم عاقل و دوراندیش بود و برای اسلام خدمات عظیمی نمود).

و حضرت عمر بن عبدالعزیز (رضی الله عنه) معروف به (عمر ثانی) از چراغ دولت در امور شخصی استفاده نمی کرد. زندگی خلفای راشدین مملو از این مثال هاست و تاریخ شاهد است، سرزمین هائیکه توسط صحابه کرام (رضی الله عنهم) فتح شدند تا عصر حاضر دیانت اسلام در آنها حکمروایی می نماید، در حالیکه کشورهای که ذریعة فاتحین فتح شدند و صحابه (رضی الله عنهم) در آن فتوحات نبودند، با وجودیکه سلطنت های مستحکم در آن ممالک مفتوحه استوار شد ولی پس از گذشت زمان از قلمرو اسلام خارج شدند، زیرا پیروزی و فتوحات اصحاب (رضی الله عنهم) ثمره انقلاب اخلاقی و معنوی بود. پس باید رئیس دولت بهترین مثال و نمونه تقوا باشد، بطوریکه زهد و اخلاقش بر دوایر دولتی و مدارس و بازارهای تجارت اثر عمیق اصلاحی بگذارد، و جاه طلبی و تحزب و قومیت و اختلاس و غیره نواقص را سبب زوال و سرنگونی حکومت دانسته، خدمت و رسیدگی به امور رعیت را فرض و واجب بدانند.

و قبل از آنکه ترقی و استحکام کشورها به زراعت و معادن و صنایع و قوت نظامی وابسته باشد به اخلاق و معنویت و سطح علمی و فرهنگی مردم بویژه جوانان تعلق دارد، که ملت و خاصتاً نسل جدید تا چه اندازه به علم و فرهنگ و تقوا و اخلاق و عبادت پابندی دارند، تا چه حد بر خواهشات نفسانی غلبه داشته از گناهان و بدیها دوری اختیار می نمایند و تا چه حد و اندازه مصالح دینی و ملی را بر منافع شخصی ترجیح میدهند، زیرا تقدیر الهی چنان است که یک نسل جایش به نسل دیگر می سپارد، پس مسئولیت مسنین و بزرگ سالان تربیت جوانان است، و اگر خواستیم درباره استقرار و استحکام و ترقی یک جامعه معلومات حاصل نمایم باید اولاً جویای احوال جوانان شویم و اگر نسل جوان بویژه طبقه تعلیم یافته (Intellectual class) در راه اصلاح و دعوت می کوشیدند، جامعه مذکور رستگار خواهد بود در غیر آن، تاریخ اندلس با داستان های (مدینه الزهراء) و (قلعة الحمراء) و خواب و خیال و جن و پری تکرار خواهد شد، زیرا از یک طرف استفاده ناسالم از نعمات الهی و از سوی دیگر بجای نشر و اشاعه دین، تمرکز مبالغه آمیز در فنون طنز و لطیفه و شعر و شاعری از اسباب زوال آن دیار گردید.

تاریخ امت بعضی سخنان و جمله های مهم را بطور امانت حفظ نموده که باعث اصلاحات باطنی و ظاهری و انقلاب های فردی و اجتماعی شده است.

اولین مرحله ای پر از مشاغل در ابتدای عهد حضرت ابوبکر (رضی الله عنه) همانا فتنه ارتداد و منع زکات و دعوی نبوت توسط مسیلمه کذاب بود که در اوج آن اضطرابات و مشاغل جمله ای زرین و زیبای تاریخ ساز از زبان خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بیرون شد که بیان کننده احساس و تلاش وی (رضی الله عنه) در راه استقرار اسلام و باعث بر پا نمودن انقلاب های عظیم در جوامع

بشری می باشد و این جمله به عنوان میراثی از تراث اسلاف، هر وجدان متعهد آگاه را آبیاری می نماید. وی (رضی الله عنه) فرمود:

(أَيْنَقَصُّ الدِّينِ وَ أَنَا حَيٌّ) { آیا دین تقصانی شود و من زنده باشم }.

دکتر: نهضتیار خطیبی

